



روند اجتماعی شدن کودک خود را جدی بگیریم / آغاز قانون پذیری افراد در مدرسه

اجتماعی شدن یک فرد فقط در اوان کودکی صورت نمی پذیرد، بلکه در تمامی طول زندگی ادامه دارد. در زندگی اجتماعی بایستی شخصیت تحول یابد ...

اجتماعی شدن یک فرد فقط در اوان کودکی صورت نمی پذیرد، بلکه در تمامی طول زندگی ادامه دارد. در زندگی اجتماعی بایستی شخصیت تحول یابد و رفتار با هنجارهای گروهی که فرد عضویت آن را پذیرفته است که جزء آن و یا در مقایسه با گروههای دیگر سازگار یافته باشد. به گزارش خبرگزاری مهر، انسان از هنگام تولد نه تنها در مقابل یک دنیای فیزیکی، بلکه در یک دنیای اجتماعی واقع می شود، حضور پدر و مادر او را الزاما در تماس با دیگری قرار می دهد و برای آگاه شدن از خود لازمه اش آگاه شدن از دیگری است، به طور کلی مادر است که اولین تجربه نوزاد را با دیگری فراهم می آورد و اساس و مقدمات هر رابطه بعدی را در یک محیط اجتماعی برقرار می سازد.

وقتی کودک ما به سن مدرسه می رسد دیگر نمی تواند تنها خودش باشد او باید موجودی اجتماعی شود و عضوی از یک اجتماع، این تابعیت مستلزم این است که با تمام وجودش به قانون تن در دهد و برخی موارد از پیش تعیین شده را درون سازی نماید.

اجتماعی شدن فقط در اوان کودکی صورت نمی پذیرد، بلکه در تمامی طول زندگی ادامه دارد. در زندگی اجتماعی بایستی شخصیت تحول یابد و رفتار با هنجارهای گروهی که فرد عضویت آن را پذیرفته است که جزء آن و یا در مقایسه با گروههای دیگر سازگار یافته باشد.

در این معنا، حرکت فردیت یافتن از حرکت اجتماعی شدن فردی جداناپذیر است. اولین تماس ها در خانواده صورت می گیرند ولی در خارج از آن هم روابطی برقرار می گردند. غالبا شرح حال افراد به وسیله خود آنها حکایت از این دارند که عموی کودک یا مهمان های خانواده در همان اوان کودکی موجب دیدگاه وسیع کودک خردسال از دنیای اجتماعی گردیده است. سپس مدرسه دخالت می کند، ابتدا کودکان بسیار زود به آن راه پیدا می کنند و سپس با ورود به دبستان راه پیچ و خم مهمی در اجتماعی شدن گشوده می شود.

شاید بزرگترین حادثه زندگی یک انسان لحظه ای باشد که در شش یا هفت سالگی برای اولین بار به مدرسه گام می نهد. گروه دانش آموزان گروه همسالان کودک است که بایستی جای خود را در میان آنها پیدا کند که گاه ممکن است نسبت به او بی تفاوت بوده یا حتی با او دشمنی داشته باشند. او دیگر "کوچولوی عزیز" یا "یکی یکدانه" نیست. نه تنها نام او را با نام کوچک و مختصری که در خانواده معمول است صدا نمی کنند بلکه با نام خانوادگی یا اسم کوچکی که گروه برای او انتخاب می کند، صدايش می زنند.

در اینجا است که کودک متوجه اجبارهای اجتماعی و توقعات جدید زندگی گروهی می شود که نه تنها رفقاییش بلکه معلمین از او انتظار دارند، گاه باید ساکت و منظم باشد و گاه با چابکی و سرعت به بازی بپردازد. علاوه بر این در این زندگی دسته جمعی، همیشه بچه های عاقل نیستند که نفوذ بیشتری در گروه دارند، بلکه بر عکس غالبا "بی تربیت ترین" آنها موقعیت بهتری پیدا می کنند و در این عالم آموزشگاهی کاملا متفاوت از محیط خانوادگی، باید یک اخلاق پشتیبانی کردن را تمرین کنند، جایی که به او یاد می دهند هر چیزی را نبایستی به بزرگترها گفت.

دبستان تنها وظیفه و رسالت اصلی اش آموزش نیست، بلکه به ویژه بایستی کودک را در تحقق گذر بسیار مهم از زندگی خانوادگی به زندگی اجتماعی کمک نماید. در این تحول، مراحل مهمتر دیگر از قبیل ورود به راهنمایی پس از ابتدایی است و ورود به کلاس اول راهنمایی که مصادف با مرحله بحرانی شخصیت است. در این مرحله نیاز او به مخالفت کردن با نیاز او به تایید شدن در یک شخصیت جدید، در برابر هم قرار می گیرند و این همان شخصیت نوجوان است. این بحران خاص دوران نوجوانی است. نوجوان با ملحق شدن به گروه های کوچک همسالان برای رهاسازی خود از قید خانواده تلاش می کند. همچنین همان طور که مقایسه تحول ترازهای عقلانی کودکان در محیط های شهری و روستایی نشان می دهد، بایستی تنوع ارتباطات نوجوانی با دیگران و کیفیت آنها را در اجتماعی شدن در نظر گرفت.

بدین ترتیب فرآیند اجتماعی شدن با برقراری روابط بیش از پیش پیچیده که در آنها فرد تجربیات گوناگونی در زندگی اجتماعی بدست می آورد عینیت پیدا خواهد کرد. بنابراین، اگر ما در اجتماع زندگی می کنیم حیات اجتماع هم به ما بستگی دارد، زیرا از همان ابتدای کودکی، بایستی نقش های اجتماعی و نگرش های جمعی را درونی سازیم و در این زمینه پدر و مادر وظیفه خطیری در اجتماعی کردن کودک و نوجوان خود دارند.

